

« هو، نورچشما، کاغذهای چاپار رسید و همان ساعت بحضور بردم و خواندم و جواب فرمودند و در حضور مبارک نوشتم و فوراً چاپار را پس فرستادم و بسیار درین خصوص گفتگو شد و بدلیل و برهان و تاریخ حالی و مسجل کردم که هر گز در هیچ عهد، صلحی باین صرفه و عرضه نشده و صحبت طول کشید و همهٔ امانا و امرا حاضر بودند، تعجبها کردند و تصدیقها نمودند و حق این است که تا امروز حقیقت این امر باین تصریح و تنقیح حالی هیچ‌یک نشده بود و من هم که اول آمدم چون ایلچی آنجا بود و گمان میرفت که عهدنامه ممضی شود و همه در فکر آن مهم بودیم همچون موقعی نشده بود که باین بسط و تفصیل دقیق عهدنامهٔ اولیه و صلاحیت هر یک مواد و اساس و خاتمهٔ آن معروض و مشهود شود و امروز چون شاه اقبالی کردند و مشهور است که «مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد» من هیچ نکته و دقیقه را باقی نگذاشتم و هر چه بیشتر استکشاف فرمودند و زیادتیر دقت گرفتند محاسن و مصالح این عهدنامه و عظم شوکتی که در ضمن آن برای دولت قاهره بهم رسیده و فوائد و منافی که برای عموم اهل ایران اعم از تجار و زوار و حجاج و همراهان خوی و کردستان و کرمانشاه و ایروان حاصل گردیده

بیشتر و بهتر معلوم و مکشوف گردید و نواب نایب السلطنه خود بدولت دریافت خواهند فرمود که عرض و استدلال من در مقابل دقت و احتیاج اولیای دولت قاهره بر چه منوال بوده ، چرا که مکرر مضامین و مکانین این عهدنامه را ترکیباً فارسیاً ، اولیاً ثانویاً در حضور مبارک با دقت و اهتمام تمام زیر و بالا کرده ایم و چندین روز تاریخ خوانی و اخباردانی خواسته ایم . در نظر مبارک هست که رد احتیاج و راه استدلال هر فقره از کجاست و هر گاه من تفصیل مقالات حضور مبارک اعلی و جواب و سؤالهای خودم و اولیای دولت را بنویسم طول خواهد داشت . همین یک فقره کافی است که در آخر مجلس همگی از عان و تصدیق کردند که این صلح کردن از آن جنگ لشکر بکار دولت و حال رعیت انفع بوده و قبله عالم در سلام نوازشها نسبت بوجود مقدس والا فرمودند و اظهار رضامندیها کردند که همانها ان شاء الله تعالی در دنیا و آخرت بکار والا خواهد آمد.»

«نورچشما، کاغذهای چاپار رسید و همان ساعت بحضور برردم و خواندم و جواب فرمودند و در حضور مبارك نوشتم و فوراً چاپار را پس فرستادم و بسیار درین خصوص گفتگو شد و بدلیل و برهان و تاریخ حالی و مسجل کردم که هرگز در هیچ عهد، صلحی باین حد صرفه و عرضه نشده و صحبت طول کشید و همه امانا و امرا حاضر بودند. تعجبها کردند و تصدیقها نمودند و حق این است که تا امروز حقیقت این امر باین تصریح و تنقیح حالی هیچ يك نشده بود و من هم که اول آمدم چون ایلچی اینجا بود و گمان میرفت که عهدنامه ممضی شود و

همه در فکر آن مهم بودیم همچنین<sup>۲</sup> موقعی نشده بود که باین بسط و تفصیل دقیق عهدنامه اولیه و صلاحیت هر یک مواد و اساس و اساس و خاتمه آن معروض و مشهود شود و امروز چون شاه اقبالی کردند و مشهور است که مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد، من هیچ نکته و دقیقه را باقی نگذاشتم و هر چه بیشتر استکشاف فرمودند و زیادتیر وقت گرفتند محاسن و مصالح این عهدنامه و عظم شوکتی که در ضمن آن برای دولت قاهره به هم رسیده و فوائد و منافع که برای عموم اهل ایران اعم از تجار و زوار و حجاج و همراهان خوی و کردستان و کرمانشاه و ایروان حاصل گردیده بیشتر و بهتر معلوم و مکشوف گردید و نواب نایب السلطنه خود به ذات<sup>۳</sup> دریافت خواهند فرمود که عرض و استدلال من در مقابل وقت و احتیاج اولیای دولت قاهره بر چه منوال<sup>۴</sup> بوده، چرا که مکرر مضامین و مکاتیب این عهدنامه را **ترکیا فارسیا، اولیا ثانویا** در حضو مبارک با دقت و اهتمام تمام زیر و بالا کرده ایم و چندین روز تاریخ خوانی و اخبار دانی خواسته ایم. در نظر مبارک هست که رداحتجاج و راه استدلال هر فقره از کجاست و هر گاه من تفصیلات حضور مبارک اعلی و جواب و سؤالهای خودم و اولیای دولت را بنویسم طول خواهد داشت همین یک فقره کافی است که در آخر مجلس همگی ازعان و تصدیق کردند که این صلح کردن

۲ - بنا به قراءت آقای کارنگک : همچون .

۳ - بنا به قراءت آقای کارنگک : بدولت .

۴ - این مطلب خوب میرساند که نویسنده نامه شخصی بجز ولیعهد و شاه

از آن جنگ الشکر<sup>۵</sup> بکار دولت و حال رعیتانفع بوده و قبله

عالم در سلام نو از شها نسبت به وجود مقدس و الا فرمودند و اظهار رضامندیها

کردند که همانها ان شاء الله تعالی در دنیا و آخرت بکار و الا خواهد آمد.

• - آقای کارنگ این عبارت را «جنگ لشکر» خوانده‌اند و شاید گراین  
کلمه را آنچنانکه هست خوانده بودند در قضاوت و استنباط ایشان تغییر کلی  
حاصل میشد .